



10.30497/sj.2024.245337.1315

Bi-quarterly Scientific Journal of "Research Letter of Social Jurisprudence",  
Vol. 12, No. 1 (Serial 23), Autumn 2023 and Winter 2024

Research Paper

## A Jurisprudential Study of Inside Money Creation with an Emphasis on *La-Zarar* Rule

Seyyed Hadi arabi\*  
Saeed Farahanifar\*\*  
Mehdi Khoshakhlagh\*\*\*

Received: 28/10/2023

Accepted: 01/02/2024

### Abstract

Inside money is a credit created by commercial banks and attracts a large volume of cash. Some jurists and Islamic economists disapprove of money creation by commercial banks. The *La-Zarar* rule is one of the important reasons that is cited for the prohibition of creating inside money. This article by using descriptive-analytical analysis reconsiders inside money creation to examine its conformity to *La-Zarar* rule to show its jurisprudential legitimacy. This requires the following conditions:

- The creation of inside money leads to inflation.
- Money must not be a similar (*mesli*) commodity.
- The *La-Zarar* Rule must have precedence over the dominant rule, (absolute legal power of the owners to exercise dominion or control over their own property)
- Money must be considered a social contract
- The inflation must be sudden
- The *La-Zarar* rule must include positive and negative commandments of Shariah.

### Keywords

Bank, Islamic Banking, Money Creation, Inside Money Creation, *La-Zarar* Rule

\* Associate Professor, Department of Islamic Economics, Faculty of Economics and Administrative Sciences, Qom University, Qom, Iran (corresponding author) sh.arabi@qom.ac.ir

\*\* Professor, Department of Islamic economics, Department of Islamic Economics, Faculty of Economics and Administrative Sciences, Qom University, Qom, Iran saeed.farahanifard@gmail.com

\*\*\*Ph.D. in Islamic Economics, Department of Islamic economics, Department of Islamic Economics, Faculty of Economics and Administrative Sciences, Qom University, Qom, Iran khoshakhlagh\_mehdi@yahoo.com



10.30497/SJ.2024.245337.1315

دوفصلنامه علمی «پژوهش‌نامه فقه اجتماعی»، سال دوازدهم، شماره اول (پیاپی ۲۳)، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صص. ۲۳-۵۰

## بررسی فقهی خلق پول درونی با تأکید بر قاعده لاضرر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۲

نوع مقاله: پژوهشی

سیده‌های عربی\*

سعید فراهانی فرد\*\*

مهدی خوش اخلاق\*\*\*

### چکیده

پول درونی اعتباری توسط بانک‌های تجاری ایجاد می‌شود و حجم زیادی از نقدینگی را به خود اختصاص می‌دهد. فرایند خلق پول درونی با مخالفت برخی فقها و اندیشمندان مسلمان روبه‌رو شده است. قاعده لاضرر از قواعد مهم فقهی است که برای ممنوعیت فقهی خلق پول درونی به آن استناد شده است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و اجتهادی به تطبیق قاعده لاضرر با خلق پول درونی می‌پردازد تا مشروعیت فقهی ماهیت این فرایند اقتصادی را مورد بررسی قرار دهد. مقاله نشان می‌دهد برای تطبیق قاعده لاضرر بر خلق پول تحقق همه شرایط زیر لازم است: خلق پول منجر به ایجاد تورم شود، پول کالای مثلی نباشد، قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط مقدم شود، پول قرارداد اجتماعی به شمار آید و قاعده لاضرر احکام عدمی را شامل شود.

### واژگان کلیدی

بانک؛ بانکداری اسلامی؛ خلق پول؛ قاعده لاضرر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* دانشیار گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).  
Sh.arabi@qom.ac.ir

\*\* استاد گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران.  
saeed.farahanifard@gmail.com

\*\*\* دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران.  
khoshakhlagh\_mehdi@yahoo.com



### مقدمه

یکی از ضوابط عمومی معاملات، قاعده نفی ضرر است، شرع مقدس اسلام تنها آن گروه از معاملات و مبادلات را تأیید می‌کند که باعث ضرر و ضرار نشود. اهمیت قاعده لاضرر به اندازه‌ای است که برخی از اهل سنت مانند جلال‌الدین سیوطی بر این نظرند که فقه اسلام بر پنج حدیث استوار است که یکی از آن‌ها حدیث لاضرر است (سیوطی، ۱۳۸۹ق، ج ۲، ص. ۱۲۲). شهید اول از قاعده لاضرر به عنوان یکی از پنج قاعده‌ای یاد می‌کند که از ادله اربعه به دست آمده و ممکن است تمام احکام شرعی به آن ارجاع داده شود (عاملی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص. ۷۴).

خلق پول و اعتبار یکی از مباحث مهم هر نظام پولی و مالی است. اقتصاددانان ایده‌های متفاوتی در خصوص آن دارند. برای مثال فیشر، فریدمن و توبین به عنوان برخی مخالفان خلق پول درونی توسط بانک‌های تجاری، از زوایای مختلف به نقد نظام پولی مبتنی بر ذخیره جزئی پرداخته‌اند (روحانی و خاندوزی، ۱۴۰۰، ص ۸۸). این مناقشه در میان اقتصاددانان مسلمان نیز جریان دارد. یکی از وجوه مهم این مناقشه، مشروعیت فقهی این پدیده پولی است. از دلایل مهم مخالفت با خلق پول توسط بانک‌های تجاری استناد به قاعده فقهی لاضرر است.

گروهی از پژوهشگران اقتصاد اسلامی خلق پول توسط بانک‌های تجاری را مصداق قاعده لاضرر می‌دانند. از این نظرات می‌توان به سبحانی (۱۴۰۱)، خاکی (۱۳۹۹)، اکبری و همکاران (۱۳۹۹) و محققیان و همکاران (۱۴۰۱) اشاره کرد. برای این تطبیق به دلایل متعددی استناد شده است که مهم‌ترین آن‌ها، تورم‌زا بودن خلق پول درونی است. بعضی از فقها نیز به علت تطبیق خلق پول با قاعده لاضرر حکم به حرمت خلق پول داده‌اند<sup>۱</sup>. این نظرات باعث شد نویسندگان تطبیق خلق پول با قاعده لاضرر را با دقت و تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار دهند. مقاله در جست‌وجوی پاسخ به این پرسش‌هاست که آیا خلق پول درونی با قاعده لاضرر تطبیق دارد؟ آیا این تطبیق کلی است و خلق پول توسط بانک‌های تجاری همیشه موجب ضرر است یا تطبیق در برخی شرایط صورت می‌گیرد؟

گفتنی است این مقاله تنها به تطبیق خلق پول درونی با قاعده لاضرر می‌پردازد و مسائل دیگر مانند ضمان در صورت ضرر را مورد بررسی قرار نمی‌دهد. بدین منظور،

ابتدا این قاعده و قلمرو آن در فقه مورد کاوش قرار می‌گیرد. در ادامه، تطبیق قاعده لاضرر با پدیده خلق پول در قالب قیاس منطقی انجام می‌گیرد. این تطبیق در دو قسمت انجام می‌گیرد. ابتدا ارتباط خلق پول و تورم بررسی و در ادامه، تورم بر قاعده لاضرر تطبیق داده می‌شود. نتیجه این بررسی استخراج شرایطی است که برای تطبیق خلق پول و قاعده لاضرر لازم است.

### ۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مرتبط با این مقاله را می‌توان در دو دسته تقسیم کرد. دسته نخست، پژوهش‌هایی که قاعده فقهی لاضرر را مورد بررسی قرار داده است. این پژوهش‌ها در فقه و حقوق بسیار گسترده است. دسته دوم، پژوهش‌هایی که خلق پول را مورد بررسی قرار داده است. در اقتصاد متعارف و اسلامی این فرایند بانکی مورد نقد و ارزیابی پژوهش‌های متعددی قرار گرفته است. برخی پژوهشگران اقتصاد اسلامی به بررسی جنبه‌های فقهی خلق پول پرداخته‌اند. نتیجه برخی از این پژوهش‌ها جواز فقهی خلق پول است. برخی دیگر نیز این فرایند بانکی را مخالف قواعد فقهی می‌دانند. یکی از مستندات این دسته، تطبیق قاعده لاضرر با خلق پول درونی است. ثابت (۱۳۹۸) خلق پول را افزون بر مصداق قاعده اکل مال به باطل، مصداق قاعده لاضرر نیز می‌داند. اکبری و همکاران (۱۳۹۹) خلق پول را در صورت نظارت ضعیف مصداق قاعده لاضرر می‌دانند. محققیان و همکاران (۱۴۰۱) بر اساس ادله منع سوءاستفاده از حق و لاضرر، خلق پول را به علت ایجاد تورم افسارگسیخته، محکوم به حرمت می‌دانند. برای تطبیق خلق پول و قاعده لاضرر لازم است به شرط‌های فقهی و اقتصادی این تطبیق توجه شود و روش اجتهادی مورد استفاده قرار گیرد.

گفتنی است می‌توان پژوهش‌هایی را یافت که خلق پول و بانکداری ذخیره جزئی را عامل تورم (مجاهدی مؤخر و دیگران، ۱۳۹۰)، باعث زیان به جامعه (صمصامی، داودی و جهانی، ۱۳۹۳) یا باعث آثار توزیعی منفی (سبحانی و درودیان، ۱۳۹۵) می‌دانند. الجارحی معتقد است خلق پول توسط بانک‌های تجاری به شرطی جایز است که خلق پول به اندازه‌ای باشد که ثبات سطح عمومی قیمت‌ها حفظ شود (ALjarhi, 1983, p.70). مجدی و الزیدانین شرط خلق پول را حفظ ثبات ارزش پول و قدرت خرید آن می‌دانند



(مجدی و الزیدانین، ۲۰۱۶م، ص. ۱۵۰). شاهین نیز خلق پول درونی را به علت اینکه منجر به تورم و کاهش قدرت خرید پول می‌شود، مطابق با اهداف و ویژگی‌های نظام پولی اسلامی نمی‌داند (شاهین، ۲۰۰۷م، ص. ۶۲۴). این پژوهش‌ها در نقد خلق پول توسط بانک‌های تجاری به قاعده لاضرر استناد نکرده‌اند، اما می‌توان مباحث آن‌ها را با تطبیق قاعده لاضرر بر خلق پول مرتبط دانست؛ هرچند موضوع مقاله یعنی تطبیق با قاعده لاضرر به صورت کلی و جزئی در این مقالات مورد بررسی قرار نگرفته است.

## ۲. قاعده لاضرر

قاعده لاضرر قاعده فقهی برگرفته از متن حدیث نبوی «لاضَرَر و لاَضِرَّارَ فی الاسلام» است که بر نفی ضرر و زیان زدن به خود و دیگران در دین اسلام و حرمت آن دلالت می‌کند. قاعده لاضرر از قواعد مشهوری است که در بیشتر ابواب فقهی کاربرد دارد. فقهای شیعه و اهل سنت بر حجیت و اعتبار قاعده لاضرر اجماع دارند (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص. ۲۵۱). اهمیت قاعده لاضرر به عنوان یکی از قواعد اساسی و بنیادین به اندازه‌ای است که در بیشتر ابواب فقهی از عبادات گرفته تا معاملات مورد استناد و استفاده قرار می‌گیرد.

در خصوص مستندات این قاعده می‌توان به ادله اربعه استنباط احکام فقهی یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل اشاره کرد. شکی نیست که نفی ضرر و ضرار از اموری است که عقل مستقلاً به آن حکم می‌کند و بنای عقلا پشتوانه محکمی برای این قاعده شمرده می‌شود. استدلال به عقل تحت عنوان قاعده عقلی قبیح ظلم است، ولی نمی‌توان ادعا کرد که عقل در فهم قبیح تمام موارد قاعده لاضرر مستقل باشد. بنابراین، دلیل عقل تمام موارد آن را پوشش نمی‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ص. ۸۸).

آیات و روایات متعددی بر این قاعده دلالت دارد. آیات ۲۳۱، ۲۳۳ و ۲۸۲ سوره بقره و روایت در مورد سمره بن جندب، روایت شفعه (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵، ص. ۴۲۹) و حدیث حفر قنات (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵، ص. ۴۳۱) از این موارد است. معتبرترین منبع روایی این قاعده، روایت در مورد سمره بن جندب است که به چند طریق وارد شده است (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵، ص. ۴۲۸). این حدیث، بدون قید «فی الاسلام» یا «عَلَى الْمُؤْمِنِ» نیز نقل شده است. به رغم اختلاف نسخ، ادعای متواتر بودن حدیث

لاضرر شده است (موسوی خمینی، ۱۴۱۴ق، ص. ۴۰).<sup>۲</sup>

## ۲-۱. مفاد جمله «لاضرر»

فقها در خصوص منظور از نفی ضرر در قاعده، نظرات متفاوتی دارند. این نظرات در سه دسته نفی حکم ضرری، تحریم ضرر و نفی ضرر غیرمتدارک بیان شده است که در ادامه، نتایج این تفاوت‌ها در احکام فقهی مورد اشاره می‌گیرد.

نفی حکم ضرری: آخوند خراسانی و شیخ انصاری چنین دیدگاهی دارند. به عقیده شیخ معنای لاضرر این است که «حکمی که منشأ ضرر باشد، در شریعت وجود ندارد» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص. ۳۷۲). به نظر آخوند خراسانی افعال ضرری در عدم تأثیر به منزله عدم به شمار می‌آیند. بنابراین، اثری بر آن افعال مترتب نمی‌شود (خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص. ۳۸۱). نظر آخوند از لحاظ نتیجه در بسیاری موارد با نظر مرحوم شیخ انصاری انطباق دارد. بدین ترتیب، قاعده لاضرر بر همه احکام ضرری حکومت دارد و ناظر بر همه احکام ضرری است و همه آن‌ها را در مقام تعارض منتفی می‌سازد.

تحریم ضرر: شریعت اصفهانی، «لا» را در جمله «لاضرر و لاضرار» به معنای نهی گرفته و معتقد است استعمال لای نفی جنس در معنای نهی به صورت مجاز، شایع است. در این حدیث نیز از ارتکاب اعمال و افعال ضرری نهی شده است (اصفهانی، ۱۴۱۰ق، ص. ۲۴). قاعده لاضرر هیچ ربطی به دیگر احکام اولیه پیدا نمی‌کند. بنابراین، ضرر رساندن در اسلام حرام است. امام خمینی با این عقیده موافق است، اما آن را نهی حکومتی می‌داند (موسوی خمینی، ۱۴۱۰ق، ص. ۴۰). بنابراین قاعده لاضرر، امری حکومتی و اجرایی است و فقط با قاعده تسلیط تعارض دارد و در مقام معارضه و برخورد، محدوده دایره تسلیط را که از احکام اولیه است، محدودتر می‌کند و برخوردی با ادله دیگر ندارد.

نفی ضرر غیرمتدارک: فاضل تونی وصفی را در تقدیر می‌داند. گویا عبارت چنین بوده است «لاضرر غیرمتدارک فی الاسلام»؛ یعنی ضرر و ضرار غیرمتدارکی در اسلام نداریم؛ یعنی هرکس که موجب ضرر و زیان نسبت به غیر شود باید آن را جبران کند و در نظر شارع موردی نیست که منتهی به ضرر شود و جبران نشود (فاضل تونی، ۱۴۱۵ق، صص. ۱۳۹ و ۱۹۴)



آیا قاعده لاضرر می‌تواند وضع ضمان کند یا خیر، ناشی از تفسیر «لا» در عبارت لاضرر و لاضرار است. بنا بر نظر شیخ انصاری، قاعده لاضرر اثبات ضمان نمی‌کند؛ زیرا نقش لاضرر این است که حکمی را بردارد نه اینکه حکمی را ثابت کند، اما بنا بر نظر فاضل تونی اضرار به غیر یکی از اسباب ضمان است.

دیدگاه‌های مختلفی درباره نوع رابطه قاعده لاضرر با دیگر ادله احکام وجود دارد. در دیدگاه نخست، این قاعده بر دیگر ادله احکام مقدم است. به این صورت که قاعده لاضرر مفسر و ناظر بر ادله دیگر است (سبحانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۹۸). از قائلان به این دیدگاه می‌توان به شیخ انصاری اشاره کرد (انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص. ۴۶۲). در دیدگاهی که «لاضرر» به معنای نهی از رساندن ضرر به خود و دیگری و لزوم تدارک و جبران ضرر وارد شده است، خودش به‌عنوان حکم شرعی مستقل در کنار دیگر احکام است و ارتباطی با آنها ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص. ۷۹).

## ۲-۲. قلمرو قاعده نفی ضرر

قبل از بررسی تطبیق خلق پول با قاعده لاضرر لازم است به این نکته پرداخته شود که آیا قلمرو قاعده لاضرر در حیطه موضوع بحث قرار می‌گیرد؟ اختیار هریک از اقوال یادشده در مفاد جمله لاضرر می‌تواند باعث قابلیت یا عدم قابلیت تطبیق بعضی از موضوعات بر قاعده لاضرر شود، اما هرکدام از این نظرات اختیار شود، خلق پول در قلمرو قاعده لاضرر قرار خواهد گرفت؛ توضیح اینکه، اگر مفاد قاعده لاضرر افزون بر نفی احکام وجودی شامل نفی حکم عدمی ضرری باشد (عدم‌الحکم)، قاعده لاضرر موضوعاتی مانند خلق پول را نیز دربرمی‌گیرد. اگر طبق نظر شریعت اصفهانی مفاد قاعده لاضرر هیچ ربطی به دیگر احکام اولیه نداشته باشد یا طبق نظر امام خمینی مفاد قاعده لاضرر برای محدود کردن قاعده تسلیط باشد، قابلیت تطبیق قاعده لاضرر بر موضوعاتی مانند خلق پول روشن است. مفاد قاعده لاضرر نهی از ضرر به دیگران است و هر قراردادی که ضرر به دیگری در آن وجود داشته باشد، در قلمرو این قاعده قرار خواهد گرفت.

پرسش مهم دیگر در قلمرو قاعده لاضرر، محدوده ضرر مالی است. آیا عدم‌النفع در قلمرو قاعده لاضرر قرار دارد؟

ضرر مالی به معنای خسارتی است که به اموال و دارایی خود شخص یا فرد دیگری وارد می‌شود بدون آنکه منفعت یا عوضی برای آن منظور شده باشد. بنابراین، اگر کسی از فروش مال دیگری جلوگیری کند، این جلوگیری، اضرار نیست، بلکه منع از نفع است. به همین ترتیب، اگر کسی ملک بی منفعتی مثل قنات بایر داشته باشد و بخواهد آن را اصلاح یا دایر کند و کسی از این کار جلوگیری کند، این ممانعت، اضرار نیست، بلکه منع از تحصیل نفع است.

مشهور فقها اعتقاد دارند عدم‌النفع ضرر نیست (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص. ۱۵) و بنابراین، قابل مطالبه و جبران نخواهد بود. بعضی معتقدند که برحسب عرف، عدم‌النفع در موردی که مقتضی آن تمام و کامل شده باشد، ضرر به شمار می‌آید (نایینی، ۱۴۱۸ق، ص. ۳۷۸)

نکته دیگر در خصوص قلمرو قاعده لاضرر نظر شهید صدر در خصوص عرفی بودن قلمرو ضرر در این قاعده است. شهید صدر معتقد است قاعده لاضرر اگر به‌عنوان قاعده‌ای امضایی فهم شود که در پی تأیید ملاک و نکته اصلی در دسته‌ای از ارتکازات عقلایی است، می‌تواند به‌جای تعدادی از بنائات عقلا بنشیند و مصدر فتوا شود بدون آنکه به تحقق شرایط لازم در اعتبار سیره نیازمند باشد؛ زیرا قاعده لاضرر از سوی روایات متعدد و صحیحی پشتیبانی می‌شود. اگر بتوان ادعا کرد که عقل در درک این کبرای کلی که ضرر زدن به دیگران قبیح است، مستقل باشد، در موارد متعددی که این ارتکاز در میان مردم وجود داشته باشد، می‌توان قاعده را جاری و حقوق عرفی زیادی را با آن اثبات کرد (صدر، ۱۴۲۰ق، ص. ۲۸).

از آنجاکه شهید صدر مفاد قاعده لاضرر را ضرر عرفی می‌داند، استناد به این نظریه مواردی مانند تعرض به مالکیت معنوی را تحت این قاعده قرار می‌دهد؛ البته مالکیت معنوی متفاوت با تورم پولی است و استناد به این نظریه برای تطبیق یا عدم تطبیق قاعده لاضرر در تورم پولی نیازمند بررسی بیشتر در مبانی این نظریه است.

نکته آخر در قلمرو قاعده لاضرر این است که آیا شمول آن تنها بر نفی حکم ضرری است یا تشریح حکم را هم دربرمی‌گیرد؟ تردیدی نیست که احکام وجودی





مشمول قاعده لاضررند. به این ترتیب که هرگاه از یکی از احکام وجودی شریعت ضرری حاصل شود، با قاعده لاضرر برداشته می‌شود؛ حکمی که اگر قاعده جریان نمی‌یافت و حکم نفی نمی‌شد، ضرر تحقق می‌یافت، اما در وضع و تشریح حکمی که اگر آن حکم تشریح نشود، ضرر به وجود می‌آید، میان فقها مورد اختلاف است. بعضی آن را خارج از مفاد و شأن قاعده می‌دانند. شیخ انصاری معتقد است نقش لاضرر این است که حکمی را بردارد نه اینکه حکمی را ثابت کند (انصاری، ۱۴۱۴ق، ص. ۱۱۴).

در مقابل، گروهی دیگر معتقدند قاعده عمومیت دارد؛ همان‌طور که حکم ضرری را نفی می‌کند، در مواردی که از نبود حکم ضرر حاصل می‌شود، اثبات حکم می‌کند. آن‌ها نبود حکمی از شارع را که مانع ضرر باشد، سبب ضرر دانسته‌اند (سیستانی، ۱۴۱۴ق، ص. ۲۹۲).

### ۳. تطبیق خلق پول و قاعده لاضرر

مهم‌ترین دلیل برای تطبیق خلق پول با قاعده لاضرر تورم‌زا بودن خلق پول توسط بانک است. برای تطبیق خلق پول و قاعده لاضرر این‌گونه استدلال می‌شود که خلق پول درونی توسط بانک‌ها موجب افزایش حجم نقدینگی است و طبق نظریه مقداری پول، افزایش نقدینگی منجر به تورم می‌شود. تورم نیز موجب ضرر به مردم است. اثبات حرمت خلق پول با استناد به قاعده لاضرر متوقف بر تشکیل قیاس منطقی اقتراعی شکل اول با استفاده از یک صغری و یک کبری است. صغرای قیاس این است که خلق پول درونی توسط بانک‌ها منجر به تورم می‌شود. کبرای قیاس نیز عبارت است از اینکه تورم همواره باعث ضرر است. البته ضرری که تحت قاعده لاضرر قرار می‌گیرد.

برای صحت این قیاس باید صغرای قیاس موجهه و کبرای قیاس کلی باشد. ابتدا قطعیت صغرای قیاس و در ادامه، قطعیت و کلیت کبری مورد بررسی قرار خواهد گرفت. کلیت کبری مستلزم وسعت دامنه شمول آن در حدی است که صغرای قیاس را دربرگیرد.

#### ۳-۱. خلق پول درونی و تورم

در اثبات حرمت خلق پول درونی با قاعده لاضرر، نخستین گام اثبات قضیه تورم‌زا

بودن خلق پول درونی به عنوان صغرای قیاس است. به این بیان که خلق پول درونی توسط بانک‌های تجاری باعث افزایش نقدینگی خواهد شد و افزایش نقدینگی نیز منجر به تورم می‌شود. بنابراین، به بررسی این دو گزاره خواهیم پرداخت.

یکی از انتقادات به نظام ذخیره جزئی و فرایند خلق پول درونی، تورم‌زا بودن این پدیده است. تورم پیامد منفی فرایند خلق پول توسط نظام بانکی است که جامعه باید هزینه آن را پرداخت کند (مجاهدی مؤخر و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۷۲). در اقتصاد ایران نیز تورم مزمن ریشه‌های مختلفی دارد که رشد نقدینگی و به‌خصوص نقدینگی حاصل از خلق پول درونی بانکی از مهم‌ترین دلایل آن است؛ به‌ویژه آنکه نقدینگی و تورم در اقتصاد ایران رابطه مستقیمی با یکدیگر دارند؛ توضیح اینکه، در سال‌های پس از انقلاب به دلایل مختلف دولت‌ها با ارقام بالایی از کسری بودجه مواجه شده‌اند که مهم‌ترین راه تأمین آن استقراض از بانک مرکزی و افزایش پایه پولی بوده است. افزون‌براین، افزایش خلق پول درونی در نظام ذخیره جزئی نقش عمده‌ای در افزایش حجم نقدینگی داشته است؛ نقشی که به مراتب بیشتر از نقش بانک مرکزی در افزایش پایه پولی بوده است. سهم خلق پول بانکی در ایجاد نقدینگی در طول سال‌های گذشته در حال افزایش بوده و نقش بانک مرکزی کاهش یافته است. حتی بعضی پیشنهاد داده‌اند بانک مرکزی با افزایش نرخ ذخیره قانونی در سپرده‌های کوتاه‌مدت به میزان ۱۰۰ درصد، قدرت وام‌دهی بانک‌ها از محل این سپرده‌ها را به‌طور کامل حذف کند و باعث کاهش سطح قیمت‌ها شود (بخشی دستجردی و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۵).

وجود خلق پول درونی در نظام بانکی لزوماً باعث افزایش نقدینگی نیست. حجم نقدینگی در صورتی افزایش می‌یابد که پایه پولی یا ضریب فزاینده افزایش یابد. مادامی که نرخ ذخیره قانونی و پایه پولی ثابت باشد، امکان افزایش عرضه پول از طریق عملیات بانکی وجود ندارد. به عبارت دیگر، افزایش خلق پول درونی (نه صرف وجود آن) به افزایش نقدینگی منجر می‌شود.

ممکن است اشکال شود که در نظام ذخیره جزئی، بانک مرکزی قادر به کنترل پایه پولی نیست. بنابراین، حجم نقدینگی همواره در حال افزایش است. عدم کنترل بانک مرکزی بر پایه پولی را می‌توان به دو صورت مطرح کرد.

صورت نخست بر مبنای درون‌زایی پول است. این دیدگاه که بانک مرکزی می‌تواند از طریق کنترل نسبت ذخیره قانونی، عملیات خلق پول را کنترل کند، بر مبنای برون‌زا بودن پول است در حالی که در دنیای واقعی، پول درون‌زا است (بخشی دست‌جردی و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۹). دلالت مهم درون‌زایی پول، ناکارایی کنترل منابع پایه پولی در کنترل حجم پول، امکان بروز بحران بانکی در صورت اصرار بانک مرکزی بر کنترل منابع در شرایط رشد مصارف و در عوض لزوم تمرکز بر هدایت و سوگیری رشد نقدینگی است.

در پاسخ باید گفت نباید برون‌زایی یک متغیر به‌ویژه پول را با کنترل‌پذیری آن یا سیاستی بودن آن متغیر اشتباه گرفت و یکسان پنداشت. حجم پایه پولی از متغیرهای درون‌زایی است که قابلیت کنترل و سیاست‌گذاری را دارد. شاهد آنکه، در اقتصادهای پیشرفته در عین درون‌زایی پول و وجود نظام ذخیره جزئی، پایه پولی و تورم به‌خوبی کنترل شده است. بنابراین، درون‌زایی پول دلیلی بر عدم کنترل پایه پولی نیست.

صورت دوم برای عدم کنترل بانک مرکزی بر پایه پولی دیدگاه خلق پول انفرادی (خلق پول از هیچ) است. در دیدگاه خلق پول انفرادی، خلق نقدینگی توسط بانک‌ها پیش از خلق پول توسط بانک مرکزی رخ می‌دهد. به عبارت دیگر، ممکن است خلق پول توسط بانک تجاری علت خلق پایه پولی شود. بر اساس این نظریه، بانک می‌تواند مستقلاً اقدام به خلق پول جدید در اقتصاد کند و باعث افزایش حجم نقدینگی شود.

در پاسخ این اشکال نیز می‌توان گفت در سیستم بانکداری مرکزی که سیاست‌گذاری پولی بر مبنای هدف‌گذاری نرخ بهره (در بانکداری اسلامی هدف‌گذاری نرخ سود) انجام می‌شود، لازمه آن اعطای تسهیلات به متقاضیان در نرخ هدف‌گذاری شده است. بنابراین، خلق پول در راستای سیاست‌گذاری پولی بانک مرکزی است و بانک مرکزی باید با اتخاذ نرخ سود سیاستی مناسب، حجم نقدینگی و تورم را در مقدار مطلوب کنترل کند. نکته دیگر اینکه خلق پول انفرادی به معنای خلق پول درونی توسط بانک‌های تجاری به میزان نامحدود نیست، بلکه با محدودیت‌هایی روبه‌روست. تأمین ذخیره قانونی، نیازهای عملیاتی، نسبت کفایت سرمایه و از همه مهم‌تر، سوددهی و اگذاری تسهیلات از محدودیت‌های بانک برای ایجاد اعتبار است.

تأثیر مستقیم افزایش حجم نقدینگی بر تورم نیز محل بحث است. نظریه مقداری

پول چگونگی تعیین سطح قیمت‌ها را در سیستم اقتصادی ساده مشخص می‌کند. این نظریه پیش‌بینی می‌کند که سطح قیمت‌ها نسبت مستقیم با حجم پول در اقتصاد دارد. در خصوص این نظریه دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. برای مثال، فریدمن در خصوص این پرسش مهم که آیا افزایش حجم پول، قیمت‌ها را بالا می‌برد یا تولید را افزایش می‌دهد؟ پاسخ می‌دهد که این پرسش بستگی به سطح اشتغال و وجود ظرفیت تولیدی بیکار دارد، اما در هر حال، افزایش تقاضا و درآمد پولی قطعی است (غفاری، ۱۳۹۷، ص. ۲۲۱). با فرض پذیرش این فرضیه که میان افزایش نقدینگی و تورم پولی رابطه سببی وجود دارد، دیدگاه مشترکی در مورد سازوکار، روابط نظری دقیق و چگونگی اندازه‌گیری دقیق آن وجود ندارد.

در دوره‌های زمانی مختلف، حرکات بلندمدت هم‌زمان میان رشد حجم پول و تورم در طیف وسیعی از کشورها به اثبات رسیده است. باین‌حال، در سال‌های اخیر (به‌ویژه برای تورم نسبتاً پایین و باثبات) در بیشتر کشورهای مورد مطالعه، ارتباط میان رشد حجم پول و تورم ضعیف شده است. در یک رژیم تورمی پایین در واقع ممکن است هم‌بستگی میان رشد حجم پول و تورم، ضعیف تشخیص داده شده باشد و رشد حجم پول برحسب تورم پیش‌بینی‌شده، ارزش کمتری داشته باشد، اما این نتیجه‌گیری تا زمانی که اقتصاد در رژیم با تورم پایین باقی بماند، معتبر است (سحابی، خضری و سلیمانی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۲).

افزایش نقدینگی در رژیم با تورم پایین هم‌بستگی ضعیفی با تورم دارد، اما شرایط اقتصادی و پولی ایران، تورم را ملازم خلق پول قرار داده است. افزایش پایه پولی به دلیل کسری بودجه دولت و اضافه‌برداشت بدون ضابطه بانک‌ها از بانک مرکزی به دلیل عملکرد ناسالم بانک‌های تجاری باعث افزایش شدید نقدینگی و تورم شده است. وجود شرایطی مانند دارایی‌های منجمد و موهومی بانک‌ها، مؤسسات غیرمجاز، سرکوب مالی و نسبت کفایت سرمایه پایین از علل افزایش افسارگسیخته حجم نقدینگی توسط بانک‌هاست.

خلاصه اینکه، برای تطبیق قاعده لاضرر بر خلق پول درونی، تورم‌زا بودن این پدیده لازم است. در کشور ما خلق پول منجر به تورم می‌شود، اما باید توجه داشت که این

قضیه کلی نیست؛ البته برای منتج بودن استدلال، کلی بودن صغری لازم نیست و موجه بودن آن کفایت می‌کند. نتیجه اینکه، صغرای قیاس به یک قضیه موجه شرطیه تبدیل می‌شود.

### ۳-۲. تورم و قاعده لاضرر

هدف این قسمت تطبیق تورم پولی با قاعده لاضرر برای بررسی قطعیت و کلیت کبرای قیاس است. به عبارت دیگر، آیا همواره تورم پولی باعث ضرر است و آیا ضرر حاصل از تورم پولی مصداق قاعده لاضرر قرار دارد یا اینکه تطبیق آن با شروطی روبه‌روست؟ در ادامه نشان خواهیم داد اینکه قضیه تورم باعث ضرر است، قضیه شرطیه است. ادامه بحث شروط این قضیه را استخراج خواهد کرد.

کاهش ارزش پول و تورم یکی از مواردی است که مورد انتقاد اقتصاددانان قرار گرفته است؛ زیرا آثار منفی بر تولید، رشد و عدالت دارد. حتی در روایات نیز این پدیده نامطلوب معرفی می‌شود.<sup>۳</sup> این موضوع سبب شده است که فقیهان و اقتصاددانان اسلامی توجه ویژه‌ای به تورم و کاهش ارزش پول داشته باشند. یکی از این جنبه‌ها ضرری بودن تورم پولی است.

به منظور تطبیق قاعده لاضرر با تورم پولی، آثاری از تورم پولی که احتمال قرار گرفتن تحت قاعده لاضرر را دارد، احصا می‌شود. این آثار احتمالی موارد زیر هستند.

۱. ارزش واقعی دارایی‌هایی که برحسب ارزش اسمی ثابت هستند، کاهش می‌یابد. افراد دارای پول، دارندگان حساب‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه، قراردادهای بیمه و مانند این‌ها، به اندازه کاهش ارزش پول، زیان می‌بینند. در مقابل، بدهکاران بهره‌مند می‌شوند. به عبارت دیگر، تمام پرداخت‌های معوق به نفع بدهکاران و به ضرر طلبکاران تغییر می‌کند. در مقابل، ارزش واقعی دارایی‌های بادوام مانند ملک، طلا و دلار کاهش نمی‌یابد.

۲. کارمندان، کارگران و بازنشستگان که درآمد پولی ثابتی دارند، آسیب می‌بینند و قدرت خرید و درآمد واقعی آنان کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، ارزش واقعی دستمزد اسمی آن‌ها کاهش می‌یابد.

دو مورد بالا را می‌توان این‌گونه توصیف کرد که تورم پولی باعث کاهش

ارزش واقعی دارایی‌های پولی و درآمدهای پولی تعهدشده در آینده می‌شود؛ درآمدهایی مانند دستمزد، اجاره‌بها و ... .

۳. در شرایط تورمی تقاضا برای دریافت تسهیلات و اعتبار افزایش می‌یابد. این تسهیلات برای سوداگری در زمین، طلا و مسکن به کار گرفته می‌شود. این سوداگری باعث افزایش شدید قیمت در این کالاها و کاهش سرمایه‌گذاری مفید اقتصادی است؛ البته باید توجه داشت که استفاده از تسهیلات برای سوداگری مخالف قوانین بانکی است و باید با نظارت بر بانک‌ها و بانک مرکزی از آن جلوگیری کرد، اما ممکن است این پدیده اتفاق بیفتد.

۴. تغییرات قیمت به‌طور هم‌زمان و به یک اندازه برای همه کالاها و خدمات فردی رخ نمی‌دهد. بنابراین، تا زمانی که تورم آثار کامل خود را بر قیمت‌ها و دستمزدها اعمال نکرده است، گروه‌هایی در جامعه سود می‌برند و گروه‌هایی ضرر می‌کنند. کسانی سود می‌برند که در موقعیتی هستند که کالاها و خدماتی را که ارائه می‌دهند، با قیمت‌های بالاتر بفروشند درحالی‌که هنوز قیمت‌های پایین قبلی را برای کالاها و خدماتی که می‌خرند، می‌پردازند. از سوی دیگر، کسانی ضرر می‌کنند که باید قیمت‌های بالاتری بپردازند درحالی‌که همچنان قیمت‌های پایین‌تری برای محصولات و خدمات خود دریافت می‌کنند.

برخی فعالیت‌های اقتصادی ممکن است باعث زیان اجتماعی شود، اما لزوماً تحت قاعده لاضرر فقهی قرار نخواهد گرفت. حاکم اسلامی می‌تواند این موارد را که خلاف مصالح مسلمانان و جامعه اسلامی است، بر اساس حکم حکومتی و برای حفظ مصالح جامعه منع کند. سوداگری، کاهش سرمایه‌گذاری مفید و افزایش شدید در قیمت کالاها با دوام با اهداف نظام اقتصادی اسلام سازگار نیست و زیان‌های اجتماعی بالایی به همراه دارد، اما این موارد تحت قاعده لاضرر قرار نمی‌گیرند. بنا بر قاعده تسلیط افراد می‌توانند هر کالایی را که تمایل داشته باشند، خریداری کنند؛ هرچند خرید آن کالا باعث افزایش قیمت آن شود. باز هم بر این مطلب تأکید می‌شود که ممکن است این کار با اخلاق اسلامی سازگار نباشد، اما عدم تطابق با اخلاق اسلامی ارتباطی با تطبیق آن با قاعده لاضرر ندارد.



تغییرات نامتناسب قیمت‌ها نیز نمی‌تواند مصداق قاعده لاضرر قرار گیرد. تغییر قیمت به‌غیراز تورم پولی عوامل دیگری هم دارد، اما هیچ فقهی این تغییرات را تحت قاعده لاضرر قرار نمی‌دهد. از توضیحات بالا مشخص می‌شود که کاهش ارزش دارایی‌های پولی و درآمدهای تعهدشده پولی در آینده تنها مواردی است که ممکن است تورم پولی را مصداق قاعده لاضرر قرار دهد. بنابراین، به تطبیق این مورد با قاعده لاضرر خواهیم پرداخت و شروطی که برای این تطبیق لازم است، استخراج می‌شود.

### الف- پول کالای مثلی نباشد

نخستین شرط تطبیق خلق پول با قاعده لاضرر این است که فقیه در موضوع‌شناسی پول، آن را یک کالای قیمی به شمار آورد. بسیاری از فقها معتقدند پول جزو اموال مثلی<sup>۵</sup> است. اگر پول به‌عنوان کالای مثلی تعیین شود و مقوم مثلیت ارزش مبادله‌ای اسمی باشد، بحث تطبیق خلق پول درونی با قاعده لاضرر با نتیجه عدم تطبیق خاتمه می‌یابد. پول کالای مثلی است و کاهش ارزش آن ضرر به شمار نخواهد آمد<sup>۶</sup>. بنابراین، اگر خلق پول درونی باعث کاهش ارزش پول شود، این کاهش ارزش، ضرر به مالکان دارایی پولی به شمار نمی‌آید و تحت قاعده لاضرر قرار نخواهد گرفت. برخلاف دیدگاهی که پول کالای قیمی به شمار آید یا اگر مثلی به شمار می‌آید، مقوم مثلیت آن قدرت خرید آن باشد. در این صورت با ایجاد تورم پولی نقص در مال رخ داده و نقص در مال مصداق ضرر است.<sup>۷</sup>

### ب- تقدیم قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط

تسلیط قاعده مسلم فقهی است. این قاعده در اصطلاح فقهی عبارت است از تسلط و اختیار مالک برای هرگونه تصرف در اموال خویش (مصطفوی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۳۶). پیش از ورود به بحث لازم است به این پرسش پاسخ داده شود که آیا پول خلق‌شده توسط بانک در ملکیت بانک قرار دارد تا قاعده تسلیط جاری شود یا خیر؟ پیش از ورود به بحث ملکیت نیز لازم است مالیت پول خلق‌شده مورد بررسی قرار گیرد. بنا بر نظر فقها، مالیت تابع وجود منفعت عقلایی است (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۴۵). از این رو نقاشی ایجادشده توسط نقاش یا برنامه رایانه‌ای مالیت می‌یابد



و شخصی که آن را ایجاد کرده است، مالک آن خواهد بود. در خصوص مال اعتباری نیز این مسئله صادق است. ایجادکننده مال اعتباری مالک آن خواهد شد. پول اعتباری خلق شده توسط دولت یا بانک‌های تجاری به علت منفعت عقلایی، مالیت دارد و ایجادکننده آن یعنی دولت یا بانک، مالک آن می‌شوند. امکان خلق پول اعتباری به بانک مرکزی تعلق دارد، اما بانک مرکزی می‌تواند با تفویض این امتیاز به بانک‌های تجاری، امکان خلق پول را برای بانک‌ها فراهم کند. قانون جدید بانک مرکزی (با تأیید شورای نگهبان) نیز گواه این مطلب است. بانک‌های تجاری با پیمودن فرایند قانونی یعنی ارائه سرمایه اولیه مشروط به عمل به مقررات بانک مرکزی امکان خلق پول خواهند یافت. بانک‌ها با ایجاد مال اعتباری مالک آن می‌شوند و قاعده تسلیط در مورد آنان جاری می‌شود.<sup>۸</sup>

یکی دیگر از شروط تطبیق قاعده لاضرر بر خلق پول درونی تقدیم قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط است. در خلق پول درونی توسط بانک، دو قاعده تسلیط و لاضرر با یکدیگر تعارض دارند. از سویی طبق قاعده تسلیط، بانک حق دارد با استفاده از سرمایه اولیه و مجوزی که از بانک مرکزی گرفته است، اقدام به خلق پول درونی کند. از سوی دیگر، اقدام بانک در ایجاد اعتبار باعث کاهش ارزش پول و ضرر به مالکان دارایی‌های پولی است (با فرض تورم‌زا بودن خلق پول درونی). در اینجا باید مشخص کرد که آیا قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط مردم بر اموال مقدم است یا خیر؟

مطابق ادله قاعده تسلیط مانند حدیث نبوی «الناس مسلطون علی اموالهم» (مجلسی دوم، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص. ۲۷۳) مردم حق دارند هر زمان، به هر اندازه و به هرگونه که بخواهند، در اموالشان تصرف کنند و کسی حق مزاحمت برای آنان ندارد، اما این قاعده مطلق نیست و توسط قاعده نفی ضرر مقید شده است. برخورد و تعارض چنین قاعده‌ای با قاعده لاضرر طبیعی است؛ زیرا قاعده لاضرر به‌منظور محدودتر کردن اختیارات ناشی از همین قاعده تسلیط مقرر شده است و قطعاً با آن تعارض می‌یابد.

برای توضیح مطلب، انواع تصرف مالک را که منتهی به ضرر دیگری می‌شود، بیان می‌کنیم. فقها در این مقام، نظرهای مختلفی دارند که برای سهولت فهم، این موارد به دو دسته تقسیم می‌شوند.





الف) تصرف مالک در ملک خود موجب ضرر دیگری نیست، اما موجب عدم انتفاع دیگری است. در اینجا قاعده تسلیط حکومت دارد و بر اساس آن، تصرف مالک صحیح است.

ب) تصرف مالک در ملک خود موجب ضرر دیگری است که خود شامل سه فرض است.

۱. عدم تصرف مالک در ملک خود باعث ضرر مالک می‌شود که در این صورت قاعده تسلیط حاکم است؛ زیرا ضرر مالک و ضرر دیگری با هم تعارض می‌کند و از شمول قاعده لاضرر خارج می‌شود.<sup>۹</sup>

۲. عدم تصرف مالک باعث عدم انتفاعش می‌شود که میان فقها در این مورد اختلاف نظر وجود دارد. جمعی به حاکمیت قاعده تسلیط و گروهی به حکومت قاعده لاضرر نظر داده‌اند.

۳. نه عدم تصرف مالک در ملک خودش موجب ضرر است و نه تصرف او موجب نفع برای خودش می‌شود. در این صورت فقها به اتفاق عقیده دارند که قاعده لاضرر حاکم است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، صص. ۱۵۷-۱۵۵).

خلق پول درونی توسط بانک از مواردی است که عدم تصرف بانک موجب عدم انتفاع بانک و تصرف بانک باعث ضرر به مالکان دارایی پولی است (با فرض تورم‌زا بودن خلق پول درونی). در آن حالت که تصرف مالک در ملک خودش موجب ضرر غیر و انتفاع خود او می‌شود؛ به گونه‌ای که اگر تصرف را ترک کند، منفعتش از بین می‌رود، میان فقها در مورد حاکمیت هریک از دو قاعده یادشده اختلاف نظر وجود دارد. از عبارت مرحوم شیخ انصاری چنین استفاده می‌شود که ایشان در این مورد، تصرف مالک را جایز دانسته‌اند؛ یعنی به حاکمیت قاعده تسلیط عقیده دارند (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ص. ۱۵۵)

بنابراین، طبق فتاوی فقهایمانند شیخ انصاری، ایجاد اعتبار مشمول قاعده لاضرر نمی‌شود. به عبارت دیگر، در مورد خلق پول درونی توسط بانک، قاعده تسلیط بانک بر اموالش مانع اجرای قاعده لاضرر می‌شود، اما بر مبنای دیگر فقها که قاعده لاضرر را بر قاعده تسلیط مقدم می‌دانند، فرایند ایجاد اعتبار اگر باعث ضرر به دیگران شود، دارای مشروعیت فقهی نیست.

به نظر می‌رسد دیدگاه شیخ انصاری به صواب نزدیک باشد. کالاهای زیادی وجود دارند که به علت ورود و خروج افراد در آن بازار قیمت آن تغییر می‌کند. هیچ فقیهی افرادی را که به بازار کالا وارد یا از آن خارج می‌شوند، ضامن ضرر دارندگان کالا نمی‌داند. برای مثال، اگر کسی اقدام به واردات برنج کند و قیمت آن در بازار کاهش یابد و از این طریق کشاورزان ضرر کنند، این اقدام تحت قاعده لاضرر قرار نمی‌گیرد. در خصوص پول نیز اگر بانک‌های تجاری اقدام به کاهش یا افزایش حجم نقدینگی کنند و بابت آن ارزش پول تغییر یابد، این اقدام بانک تحت قاعده لاضرر قرار نخواهد گرفت. بنابراین، شرط بعدی برای تطبیق قاعده لاضرر با خلق پول درونی تقدیم قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط است.

### ج- پول یک قرارداد اجتماعی باشد که حاکمیت متعهد به حفظ ارزش آن شده است

یکی دیگر از شروط تطبیق قاعده لاضرر بر خلق پول درونی به وظیفه حاکمیت و حکمران پولی مرتبط است. پول‌های اعتباری امروزی عمدتاً موجودی قانونی است. مدت‌هاست که کنترل امور پولی به‌عنوان بخش مهمی از حاکمیت واقعی به رسمیت شناخته شده است. یکی از این جنبه‌های حاکمیت، حاکمیت پولی است. حاکمیت پولی، خود نیز پرتویی از حاکمیت اقتصادی دولت‌هاست. حق انحصاری نشر پول، جلوه‌ای سنتی از حاکمیت پولی است. وظایف حاکمیت در خصوص پول را می‌توان در دو صورت مورد بررسی قرار داد.

صورت نخست اینکه برای پول قراردادی اجتماعی قائل شویم که حاکمیت در آن قرارداد اجتماعی متعهد به حفظ ارزش پول شده است. در این صورت حکمران نمی‌تواند به بانک‌های تجاری اجازه دهد با خلق پول درونی ارزش آن را تغییر دهند. بنابراین، اگر اقدام حاکمیت در دادن مجوز به بانک‌های تجاری برای خلق پول درونی موجب کاهش ارزش پول شود، این اقدام تحت قاعده لاضرر قرار خواهد گرفت. پس شرط بعدی برای تطبیق قاعده لاضرر با خلق پول درونی وجود قرارداد اجتماعی تعهدشده به حفظ ارزش پول است، اما اگر پول در اختیار حاکمیت قرار دارد تا منافع جامعه را تأمین کند، در این صورت هرگونه اقدام حکمران پولی باید در راستای حداکثرسازی منافع جامعه باشد. به‌عبارت‌دیگر، اگر اعطای مجوز به بانک‌های



خصوصی در راستای منافع و مصالح جامعه است، حاکم پولی می‌تواند به بانک‌های تجاری امکان خلق پول درونی بدهد و اگر از این طریق تورمی صورت گیرد مصداق قاعده لاضرر قرار نخواهد بود. باین‌حال، حکمرانی پول باید به‌گونه‌ای باشد که تورم در نقطه مطلوبی قرار گیرد.

#### د- قاعده لاضرر احکام عدمی را شامل شود

نکته مهم دیگر اینکه، شرط اساسی تطبیق خلق پول درونی با قاعده لاضرر شمول قاعده لاضرر بر احکام عدمی است. همان‌طور که گذشت، نظرات فقها در این خصوص متفاوت است. اگر قاعده لاضرر منحصر به احکام وجودی باشد، در خصوص تورم نمی‌توان به این قاعده استناد کرد.

#### ه- عدم انطباق ضرر با قاعده اقدام

یکی از قواعد فقهی که مانع اجرای قاعده لاضرر می‌شود، قاعده اقدام است. در این قسمت به این نکته خواهیم پرداخت که آیا قاعده اقدام مانعی برای اجرای قاعده لاضرر در خلق پول درونی توسط بانک است؟

هرگاه شخصی با توجه و آگاهی، عملی را انجام دهد که موجب ورود زیان توسط دیگران به او شود، واردکننده زیان که شخص دیگری است، مسئول خسارت نخواهد بود. فقها عدم مسئولیت واردکننده زیان را مستند به «اقدام» دانسته‌اند. بدین بیان که شخص با اقدام خود موجب از بین رفتن حرمت مالش شده است. درحقیقت، اقدام در این معنا مانعی است برای اجرای قواعد ضمان قهری از جمله قاعده احترام؛ زیرا «قاعده احترام»، قاعده‌ای است برای حمایت شرع از صاحبان اموال و تردیدی نیست که اگر صاحب مال خودش حرمت مال خویش را ضایع سازد، مورد حمایت شرع قرار نخواهد گرفت.

چگونگی استنباط ضمان از قاعده لاضرر مورد اختلاف فقها قرار دارد، اما یکی از اسباب مسئولیت مدنی، قاعده لاضرر است. قاعده اقدام از مواردی است که مسئولیت مدنی را از بین می‌برد (ولی‌زاده، ۱۳۹۸، ص. ۳۳۱). در مواردی مفاد قاعده لاضرر گواه ضمان و پرداخت خسارت به متضرر نیست، بلکه زیان او از راه‌های دیگر از جمله

اعطای حق فسخ تدارک می‌شود. در این گونه موارد نیز چنانچه اقدامی از سوی متضرر صورت گرفته که منتهی به ورود زیان به او شده باشد، قاعده لاضرر از او حمایت نمی‌کند (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۲۲۲) مانند کسی که با وجود علم به غبن فاحش یا عیب و نقص میباید یا طبق ماده ۴۳۶ قانون مدنی با وجود تبری بایع از عیوب میباید، اقدام به خرید کالا کند، خیار فسخ نخواهد داشت. در اینجا خریدار ضرر می‌بیند، اما ضرری است که خود بر آن اقدام کرده و خطر آن را پذیرفته است و ازین‌رو مشمول حمایت نمی‌شود.

ممکن است در عدم اجرای قاعده لاضرر در تورم پولی به قاعده اقدام تمسک شود. به این بیان که مالک دارایی پولی با علم به وجود تورم اقدام به نگهداری آن می‌کند. بنابراین، طبق قاعده اقدام نمی‌تواند مصداق قاعده لاضرر قرار گیرد. فردی که دارایی‌های خود را به‌صورت پول نگهداری می‌کند، معمولاً هزینه تورم را لحاظ کرده است. به همین دلیل است که در این اقتصادها نرخ بهره یا سود با لحاظ تورم و بسیار بالاتر از اقتصادهای بدون تورم تعیین می‌شود.

تحلیل دقیق مسئله نشان می‌دهد تطبیق قاعده اقدام بر ضرر حاصل از تورم پولی صحیح نیست. برای معاملات تنها می‌توان از ریال به‌عنوان پول ملی استفاده کرد و تمام دریافت‌ها و پرداخت‌ها توسط آن صورت می‌گیرد. ذخیره ارزش از کارکردهای اصلی پول و یکی از مهم‌ترین وظایف بانک مرکزی حفظ ارزش پول ملی است. اگر به هر علتی بانک مرکزی نتواند این وظیفه را انجام دهد و مالک دارایی پولی بابت کاهش ارزش پول متضرر شود، نمی‌توان مالک آن را اقدام‌کننده به کاهش ارزش پول دانست. مالک دارایی پولی به لحاظ کارکرد ذخیره ارزش پول و اعتماد به بانک مرکزی به‌عنوان مسئول حفظ ارزش پول اقدام به نگهداری دارایی پولی کرده است. قرار دادن کاهش ارزش پول تحت قاعده اقدام به معنای پذیرش ضرر حاصل از کاهش ارزش پول توسط مالک آن است درحالی‌که مالک دارایی پولی خواهان چنین ضرری نبوده است و نگهداری دارایی پولی را نمی‌توان اقدام بر ضرر تلقی کرد.

همچنین، اگر مالک دارایی پولی را اقدام‌کننده به ضرر معرفی کنیم، می‌تواند به معنای تشویق افراد به خرید طلا، ارز و دیگر دارایی‌های سرمایه‌ای تعبیر شود. معنای

دیگر این عبارت آن است که با احتمال کاهش ارزش پول، مالک دارایی پولی اقدام به ضرر می‌کند و باید آن را به دارایی دیگری تبدیل کند. نتیجه این گزاره افزایش بیشتر تقاضای کالاها، سرمایه‌ای و کاهش بیشتر ارزش پول ملی است. نتیجه تقدیم قاعده اقدام بر قاعده لاضرر اختلال در نظام اقتصادی است.

صدور حکمی که باعث اختلال در نظام اقتصادی شود، در نظام اقتصادی اسلام پذیرفتنی نیست. در اینجا نیز تقدیم قاعده اقدام بر قاعده لاضرر با دیگر احکام نظام اقتصادی اسلام سازگار نیست. به عبارت دیگر، بر فرض تعارض قاعده اقدام با قاعده لاضرر، قاعده لاضرر مقدم است. تقدیم قاعده لاضرر بر اساس مرجحات انسجام دستگاهی صورت می‌گیرد. انسجام دستگاهی مرجح جدید ویژه اصول فقه نظام است. بدین معنی که انسجام حکم فقهی با دیگر احکام فقهی در یک دستگاه کاشف از خللی در دلیل حکم فقهی دیگر است که با دستگاه سازگاری ندارد و موجب سقوط اطلاق یا عموم دلیل حجیت نسبت به دلیل حکم فقهی غیرمنسجم با دستگاه فقهی مستنبط می‌شود (اراکي، ۱۳۹۳، ص. ۵۸)

نتیجه اینکه نمی‌توان گفت مالک دارایی پولی به ضرر حاصل از کاهش ارزش پول اقدام کرده است و تحت قاعده لاضرر قرار نمی‌گیرد؛ هرچند بررسی مفصل این قسمت مجال مجزایی را می‌طلبد.

در جدول زیر اجزای قیاس و شروط یادشده در مطالب قبلی آمده است.

جدول ۱- شروط لازم برای تطبیق خلق پول درونی با قاعده لاضرر

<p>نتیجه بررسی قیاس اصلی قضیه شرطیه با شروط: - افزایش پایه پولی و ضریب فزاینده - نبود رژیم تورمی پایین - نبود رژیم تورمی پایین خلق پول درونی - عدم تطبیق با قاعده اقدام</p>	<p>صغری قیاس اصلی: قضیه شرطیه با شروط: - افزایش پایه پولی و ضریب فزاینده - نبود رژیم تورمی پایین (خلاصه این شروط، تورم‌زایی خلق پول درونی است)</p>	<p>به شرط افزایش پایه پولی و ضریب فزاینده صالح است به شرط نبود رژیم تورمی پایین صالح است</p>	<p>صغری: خلق پول درونی باعث افزایش تقدیمی است کبری: افزایش تقدیمی باعث تورم است</p>	<p>صغری: خلق پول درونی باعث تورم است (دلاری قیاس فرعی)</p>
<p>عدم انحصار لاضرر در احکام وجودی - مثلی نبودن پول - تقدیم قاعده تسلیط وجود قرارداد اجتماعی بر حفظ ارزش پول (با این شروط، خلق پول درونی تحت قاعده لاضرر قرار دارد)</p>	<p>کبری قیاس اصلی: قضیه شرطیه با شروط: - عدم تطبیق با قاعده اقدام - عدم انحصار لاضرر در احکام وجودی - مثلی نبودن پول - تقدیم قاعده تسلیط - وجود قرارداد اجتماعی بر حفظ ارزش پول (با این شروط، تورم باعث ضرر است)</p>	<p>در صورت قیمی نبودن امکان تطبیق وجود دارد در صورت وجود چنین قراردادی امکان تطبیق وجود دارد در تقدیم قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط امکان تطبیق وجود دارد در صورتی که قاعده لاضرر منحصر در احکام وجودی نباشد، امکان تطبیق وجود دارد</p>	<p>۱. مثلی نبودن پول ۲. وجود قرارداد اجتماعی ملازم به حفظ ارزش پول ۳. تقدیم قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط ۴. عدم انحصار لاضرر در احکام وجودی</p>	<p>قیاس خلق پول درونی باعث ضرر است کبری: تورم باعث ضرر است شروط (تطبیق قاعده لاضرر بر ضرر حاصل از تورم)</p>

## نتیجه گیری

در این نوشتار تطبیق خلق پول با قاعده لاضرر در قالب قیاس منطقی انجام گرفت. نتیجه بررسی‌های بالا نشان می‌دهد تطبیق خلق پول توسط بانک‌های تجاری با قاعده لاضرر با شروط متعددی روبه‌روست. به عبارت دیگر، اگر فقیه تمام شرایط یادشده را استحصال کند، می‌تواند حکم به تطبیق قاعده لاضرر با خلق پول درونی دهد.

نخستین شرط تورمزایی خلق پول است. خلق پول لزوماً منجر به تورم نمی‌شود و اقتصادهای متعددی در دنیا وجود دارد که با وجود خلق پول توسط سیستم بانکی دارای تورم بسیار پایینی هستند. به عبارت دیگر، صغرای قیاس یک قضیه شرطیه است. قرار گرفتن تورم و کاهش ارزش پول به عنوان مصداق قاعده لاضرر با مانع فقهی مهمی روبه‌رو است. برخلاف نظر بیشتر فقها باید پول کالای مثلی نباشد یا مقوم مثلیت آن قدرت خرید نباشد.

تطبیق تورم پولی بر قاعده لاضرر منوط به تقدیم قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط است. همچنین، باید اثبات شود پول بر اساس قرارداد اجتماعی لازم‌الاجرا مبتنی بر حفظ ارزش پول میان مردم و حاکمیت منتشر می‌شود. مانع بعدی نظریه فقهی است که معتقد است قاعده لاضرر احکام عدمی را شامل نمی‌شود.

نتیجه آنکه، صغری و کبری قیاس قضایای شرطیه‌اند و نتیجه قیاس نیز تابع اخس دو مقدمه آن است. بنابراین، تمام این شروط در نتیجه قیاس لحاظ می‌شود.

واضح است که نتیجه این پژوهش عدم تطبیق خلق پول با قاعده لاضرر یا اثبات مشروعیت فقهی خلق پول درونی نیست. مقاله نشان می‌دهد تطبیق فرایند خلق پول درونی با قاعده مهم لاضرر شروطی دارد که بدون تحقق همه این شروط تطبیق قاعده لاضرر با خلق پول صحیح نیست؛ هرچند تحقق همه شرایط دشوار به نظر می‌رسد.

## یادداشت‌ها

۱. پرسش: خلق پول توسط بانک‌های تجاری از نظر شرعی چه حکمی دارد؟ پاسخ: این کار مصداق اکل مال به باطل است؛ زیرا سرمایه‌ای وجود ندارد که آن‌ها با آن معامله کنند. از سوی دیگر، باعث تورم و ضرر و زیان جامعه می‌شود و در مجموع، بی‌شبهت به کلاهبرداری نیست که آن هم حرام است و اگر روزی سپرده‌گذاران بخواهند سپرده خود را



بگیرند، مسلماً آن بانک ورشکست خواهد شد؛ زیرا چند برابر موجودی مصرف کرده است (تارنمای دفتر آیت‌الله مکارم به نشانی

<https://www.makarem.ir/main.aspx?typeinfo=21&lid=0&catid=45206&mid=26605>).

۲. در مورد سند و متن روایات مباحث بسیاری مطرح شده است، اما از آنجاکه موضوع مقاله تطبیق قاعده بر موضوع خلق پول است، به همین مقدار بسنده می‌شود.

۳. غلاء السعر یسئ الخلق ویذهب الامانه ویضجر المرء المسلم؛ بالا بودن نرخ‌ها، اخلاق و رفتار مردم را بد می‌کند، امانت‌داری را از بین می‌برد و مردم مسلمان را در فشار و سختی قرار می‌دهد (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص. ۵۵)؛ البته این روایت به پدیده تورم به صورت کلی می‌پردازد و منظور تورم پولی نیست.

۴. البته نفی تطبیق با قاعده لاضرر به معنای عدم منع این موارد در جامعه اسلامی نیست. حاکم اسلامی می‌تواند این موارد را که خلاف مصالح مسلمانان و جامعه اسلامی است، بر اساس حکم حکومتی منع کند.

۵. برای مثلی تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است. امام‌خمینی تعیین آن را به عرف موکول کرده است (موسوی خمینی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص. ۱۸۰) بنا بر تعریف برخی فقها مثلی آن است که افراد آن دارای ویژگی‌هایی باشد که میزان رغبت عموم مردم به افراد آن و قیمت افرازش به واسطه آن ویژگی اختلاف نیابد (طباطبایی یزدی، ۱۳۳۷ق، ص. ۹۶).

۶. در بدهی به کالای مثلی بازگرداندن کالایی از نوع همان کالایی که پیش‌تر گرفته شده بود، مصداق ضرر نیست؛ هرچند ارزش آن کالا تغییر کرده باشد. در اینجا نیز اگر پول کالای مثلی باشد و مثل آن مقدار پول کاغذی یا مقدار عددی آن باشد، با تورم در مقدار عددی تغییری ایجاد نمی‌شود تا مصداق ضرر قرار گیرد.

۷. در خصوص مثلی یا قیمی بودن پول فقها نظرات متفاوتی دارند. برخی مانند آیت‌الله سیستانی (جامعه مدرسین، ۱۳۹۱، ص. ۲۲۷) معتقد به مثلی بودن پول هستند و برخی دیگر مانند آیت‌الله موسوی بجنوردی، پول را یک کالای قیمی معرفی می‌کنند (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۳، ص. ۴). تحلیل ضمان کاهش ارزش پول در روابط میان افراد می‌تواند بر پایه مثلی یا قیمی بودن پول تحلیل شود، اما تحلیل این مسئله در روابط حاکمیت با مردم بر اساس قرارداد اجتماعی است.

۸. گفتنی است تفویض خلق پول به بانک‌ها منوط به رعایت قوانین و مقررات بانک مرکزی است. همچنین، مصالح جامعه اسلامی اقتضا دارد مدیریت خلق پول توسط بانک مرکزی چه



به صورت بیرونی و چه به صورت درونی به اندازه‌ای باشد که تورم اغماض‌ناپذیر به همراه نداشته باشد.

۹. ادله نفی ضرر این فرض را دربر نمی‌گیرد به جهت اینکه ادله لاضرر در مورد امتنان وارد شده است پس تنها موردی را دربر می‌گیرد که قابل امتنان باشد نه مثل تعارض ضررین که در هر حالت قابلیت امتنان را ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ص. ۲۱۳).

### کتابنامه

اصفهانی، شیخ‌الشریعه فتح‌الله بن محمدجواد (۱۴۱۰ق). قاعده لاضرر. چاپ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

Esfahani, Shaykh al-Shari'a Fathullah ibn Mohammad Javad (1410 AH). *Lazarar Rule*. 1st edition, Qom: Islamic Publication Office

انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۴ق). رسائل فقهیه. چاپ ۱، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

Ansari, Morteza bin Mohammad Amin (1414 AH). *Jurisprudential treatises*. Edition 1, Qom: World Congress of Honoring Sheikh Azam Ansari.

انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۹ق). فرائد الاصول (جلد ۲). مجمع‌الفکر الاسلامی.

Ansari, Morteza bin Mohammad Amin (1419 AH). *Faraid Al Asul (Volume 2)*. Islamic Forum of Thought.

انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۵ق). المکاسب. ۶ج، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

Ansari, Morteza bin Mohammad Amin (1415 AH). *Almakaseb*, Qom: World Congress of Commemoration of Sheikh Azam Ansari.

بجنوردی، سیدمحمد (۱۴۰۱ق). قواعد فقهیه (جلد ۱). مؤسسه عروج.

Bejnordi, Seyyed Mohammad (1401 AH). *Jurisprudential rules (Volume 1)*. Ascension Institute.

بخشی دستجردی، رسول؛ طالب باغبانی، محمدرضا؛ مجاهدی مؤخر، محمدمهدی؛ و احمدنیا، محمدصالح (۱۳۹۸). «نگرش پویایی سیستم به اثر خلق پول بانکی بر تورم در اقتصاد ایران». فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی.

Bakhshi Dastjerdi, Rasool; Talib Baghbani, Mohammad Reza; Mujahidi Zahar, Mohammad Mahdi; and Ahmadnia, Mohammad Saleh (2018). "System dynamics approach to the effect of bank money creation on inflation in Iran's economy". *Economic Policy and Research Quarterly*





حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة (جلد ۲۵). چاپ ۱، قم: آل‌البيت لاحیاء التراث.

Hor Ameli, Muhammad bin Hasan (1409 AH). Al-Wasal al-Shia (Volume 25). 1st edition, Qom: Al-Al-Bayt Lahia al-Tarath

خاکی، محسن (۱۳۹۹). تأسیس اصل در مسائل کلان فقهی-اقتصادی با قاعده لاضرر و تطبیق آن بر مسئله خلق پول.

Khaki, Mohsen (2019). Establishing the principle in macro jurisprudential-economic issues with the harmless rule and applying it to the issue of money creation

خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق). کفایة الاصول. مؤسسة آل‌البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.

Khorasani, Mohammad Kazem (1409 AH). Adequacy of principles Al-Bayt Foundation for Heritage

سبحانی، جعفر (۱۳۹۴). ایضاحات السنیه لقواعد الفقهیه. نشر امام صادق (علیه السلام).

Sobhani, Jafar (2014). Sunni explanations of jurisprudence. Published by Imam Sadiq

سبحانی، حسن؛ و درودیان، حسین (۱۳۹۵). «ارزیابی توجیه‌پذیری خلق پول به وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی». اقتصاد اسلامی، شماره ۵۴.

Sobhani, Hassan; Drodian, Hossein (2015). "Evaluation of the justification of money creation through the banking system in the Islamic banking system". Islamic Economy, No. 54.

سبحانی، حسن (۱۴۰۱). نقدهای اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا/خلق پول کلاً غلط و تقلب است (<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1401/06/12>).

Sobhani, Hassan (1401). Criticisms of the implementation of the law on usury-free banking operations/money creation are completely false and fraudulent (<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1401/06/12>)

سحابی، بهرام؛ خضری، سمیه؛ و سلیمانی، سیروس (۱۳۹۲). «اثرات رشد نقدینگی بر تورم در اقتصاد ایران؛ مدل‌های تغییر رژیم». فصلنامه راهبرد اقتصادی، شماره ۴.

Sahabhi, Bahram; Khazri, Samia; and Soleimani, Cyrus (2012). "The effects of liquidity growth on inflation in Iran's economy; "Regime Change Models". Economic Strategy Quarterly, No. 4

سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر (۱۳۸۹ق). تنویر الحوالک (جلد ۲). قاهره: مکتبه المشهد الحسینی.

Siyuti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr (1389 AH). Tanweer al-Hawalak (Volume 2). Cairo: Al-Mushad al-Husseini School.

سیستانی، سیدعلی (۱۴۱۴ق). قاعده لاضرر و لاضرار. مکتب آیت‌الله العظمی السیدالسیستانی.

Sistani, Seyed Ali (1414 AH). Lazarar and Lazerar rule. School of Ayatollah Azami Sayyed al-Sistani

- شاهین، علی عبدالله (۲۰۰۷م). «العوامل المؤثرة في توليد النقود المصرفية من منظور نظام نقدي اسلامي». مجله الجامعة الاسلامية (سلسلة الدراسات الانسانية)، مجلد ۱۵، شماره ۲.
- Shahin, Ali Abdullah (2007). "Influential factors in the production of consumer money in the context of the Islamic monetary system". Journal of Al-Jamaa al-Islamiya . Volume 15, Number 2
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۰ق). قاعده لاضرر . دارالصادقین للطبع والنشر.
- Sadr, Seyyed Mohammad Baqer (1420 AH). Lazarar rule (Ali Kezazi,. Dar al-Sadeghin for publication and publication
- صمصامی، حسین؛ داودی، پرویز؛ و جهانی، جلال (۱۳۹۳). «هزینه‌های خلق پول در نظام بانکداری متعارف و راهکار تأمین مالی اسلامی». پژوهش‌نامه اقتصادی، شماره ۱۴.
- Samsami, Hossein; Davodi, Parvez; and Jahani, Jalal (2013). "Costs of money creation in conventional banking system and Islamic financing solution". Economic Research Journal, No. 14
- عاملی، محمدبن مکی (۱۴۰۰ق). القواعد والفوائد (جلد ۱). ۲، قم: کتاب‌فروشی مفید.
- Aamily, Muhammad bin Makki (1400 AH). Rules and benefits (Volume 1). 2c, Qom: Mofid bookstore
- غفاری، هادی (۱۳۹۷). تاریخ عقاید اقتصادی. انتشارات دانشگاه پیام نور.
- Ghaffari, Hadi (2017). History of economic ideas. Payam Noor University Publications
- فاضل تونی، عبدالله بن محمد (۱۴۱۵ق). الوافية في الاصول. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- Fazil Toni, Abdullah bin Muhammad (1415 AH). Al-Wafiyah in principle. Qom: Assembly of Islamic Thought
- کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب (۱۴۱۵ق). الکافی (جلد ۱۰). چاپ ۱، قم: دارالحدیث للطباعة والنشر.
- Koleini, Abu Ja'far Muhammad bin Yaqub (1415 AH). Kafi (volume 10). 1st edition, Qom: Dar al-Hadith for printing and publishing
- مجاهدی مؤخر، محمدمهدی؛ بخشی دستجردی، رسول؛ دلالی اصفهانی، رحیم؛ و صمدی، سعید (۱۳۹۰). «مدل‌سازی الگوی رفتار بین‌نسلی از عملکرد بانکداری ذخیره جزئی». فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی.
- Mujahidi Moakher, Mohammad Mahdi; Bakhshi Dastjerdi, Rasool; Dallali Esfahani, Rahim; Samadi, Saeed (1390). "Intergenerational Behavioral Modeling of Partial Reserve Banking Performance". Economic Modeling Research Quarterly
- مجلسی دوم، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۱۰ق). بحار الانوار (جلد ۲). چاپ ۱، بیروت: مؤسسه الطبع والنشر.
- Majlisi II, Muhammad Bagher bin Muhammad Taqi (1410 AH). Bihar Al-Anwar (Volume 2). Edition 1, Beirut: Al-Tabar Al-Nasher Institute

- مجدی، علی محمد غیث؛ و الزیدانیین هیام محمد (۲۰۱۶م). تولید النقد فی المصارف الاسلامیة (جلد ۳۱). مؤتة للبحوث والدارسات، سلسلة العلوم الانسانية والاجتماعية.
- Majdi, Ali Mohammad Ghaith; and Hayam Mohammad Zaidaniin (2016 AD). Production of Al-Samat in Al-Masraf al-Islamiya (Volume 31). Al-Mu'ta for Al-Pakhu and Darsat, Series of Al-Uloom al-Ansaniyah and Social Sciences
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶ق). قواعد فقه (جلد ۱). مرکز نشر علوم اسلامی.
- Mohaghegh Damad, Seyyed Mustafa (1406 AH). Rules of jurisprudence (Volume 1). Islamic Sciences Publishing Center
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰). قاعده لاضرر. انتشارات مدرسه امیرالمؤمنین (علیه السلام).
- Makarem Shirazi, Nasser (1390). Rule of lazara. Publications of Amir al-Momenin school.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). القواعد الفقهية (جلد ۱). مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- Makarem Shirazi, Nasser (1370) Jurisprudence rules (Volume 1). School of Imam Ali bin Abi Talib
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۱۴ق). بدائع الدرر فی قاعدة نفی الضرر. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت الله علیه).
- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah (1414 AH). Bada' al-Dorar in the rule of lazara. Imam Khomeini, organization and publishing institute
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۱۰ق). الرسائل. نشر اسماعیلیان.
- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah (1410 AH). Alrasael, Ismailian Publishing
- موسویان، سیدعباس (۱۳۹۱). بازار سرمایه اسلامی. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- Mousaviyan, Seyyed Abbas (2011). Islamic capital market. Research Institute of Islamic Culture and Thought
- نایینی، محمدحسین (۱۴۱۸ق). حاشیه المکاسب. مؤسسه النشر الاسلامی.
- Nayini, Mohammad Hossein (1418 AH). Footnote of Almakaseb. Al-Nashr al-Islami Institute.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴هـ ق). جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام (جلد ۳۷). ۴۳ج، چاپ ۳۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- Najafi, Mohammad Hassan (1404 AH). Javaher al-Kalam in the description of Sharia al-Islam (Volume 37). 43c, 37th edition, Beirut: Dar Ahya al-Tarath al-Arabi
- ولی زاده، حسین (۱۳۹۸). «اثر قاعده لاضرر در مسئولیت مدنی و نقش قاعده اقدام در اثر رافعیت آن». قانون یار، دوره ۳. شماره ۱۰.
- Valizadeh, Hossein (2018). "The effect of the harmless rule in civil liability and the role of the action rule in its effect". Qonnyar, Volume 3. Number 10

- Aamili, Muhammad bin Makki, (1400 AH). Al-Qaseer and Benefits, 2 volumes, Mofid Bookstore, Qom - Iran, first, vol.1.
- Al-jarhi, Mabid Ali mohamed (1980). A Monetary and Financial Structure for an Interest-Free Economy: Institutions, Mechanism & Policy.
- Ansari Morteza bin Muhammad Amin. (1414 AH) Fiqh letters (for Sheikh Al-Ansari). In one volume. World congress honoring Sheikh Azam Ansari. Qom. First.
- Ansari, Morteza bin Muhammad Amin (1419 AH). Faraid al-Asul. Islamic Forum. C2.
- Bakhshi Dastjardi, Rasool, Mohammad Reza Taleb Baghbani, Mohammad Mahdi Mujahidi Zahar and Mohammad Saleh Ahmadnia, (2018). System dynamics approach to the effect of bank money creation on inflation in Iran's economy. Quarterly journal of economic research and policies.
- Bejnordi, Seyyed Mohammad (1401 AH). Jurisprudence rules. Ascension Institute.
- Esfahani, Shaykh al-Sharia Fathullah ibn Mohammad Javad Namazi. (1410 AH). The rule of no harm (Lasheikh al-Sharia). In one volume. Islamic publishing office affiliated with the teachers' community of the seminary of Qom. First.
- Fazil Toni, Abdullah bin Muhammad, (1415 AH). al-Wafiya fi Usul. Islamic Forum.
- Ghaffari, Hadi, History of economic ideas, (2017), Payam Noor University Press.
- Hamad Kazem Khorasani, (1409 AH). Kefaya-ul-Asul, Al-Bayt Foundation, peace be upon them, to revive the heritage.
- Har Ameli, Muhammad bin Hassan (1409 AH). Shiite equipment. Al-Al-Bayt Lahia al-Tratah, Qom. First edition, vol. 25.
- Kalini, Abu Jafar, Muhammad bin Yaqoob, (1415 AH). Al-Kafi, Dar al-Hadith for printing and publishing, Qom, I, vol. 10.
- Khaki, Mohsen (2019) Establishing the principle in macro jurisprudential-economic issues with the harmless rule and applying it to the issue of money creation. <http://ijtihadnet.ir>
- Majdi, Ali Mohammad Ghaith; Hayam Mohammad, Al-Zaydaniyin, (2016) Production of Al-Samaat in Al-Islamic Consumers, Mu'ta llal-Bakhu and Darsat, Series of Al-Uloom Al-Humanis and Social Sciences, Vol .Makarem Shirazi, Nasser, (1370). Jurisprudence, Al-Imam Ali Bin Abi Talib Madrasa, Volume 1.
- Makarem Shirazi, Nasser, (1390). Harmless rule, Amir al-Momenin School Publications.
- Mohagheq Damad, Seyyed Mustafa, (1406 AH). Rules of Jurisprudence, Islamic Sciences Publishing Center, Volume I.
- Mokher Mujahidi, Mohammad Mehdi; Bakhshi Dastjerdi, Rasool; Dalali Esfahani, Rahim and Samadi, Saeed (2018). Intergenerational behavioral modeling of fractional reserve banking performance. Economic Modeling Research Quarterly.
- Morteza bin Muhammad Amin Ansari, (1415 AH). Kitab al-Makasib (for Sheikh Ansari, i - al-Hadinah), 6 volumes, World Congress of Commemoration of Sheikh Azam Ansari, Qom - Iran, first.

- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah, (1410 AH). Rasalay, Ismailian Publishing House.
- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah, (1414 AH). Bada'e al-Darr in Qa'ad Nafi al-Arr, Institute for organizing and publishing the works of Imam Khomeini.
- Mousaviyan, Seyyed Abbas, (2012). Islamic Capital Market, Research Institute of Islamic Culture and Thought.
- Naini, Mohammad Hossein, (1418 AH). Al-Nashr al-Islami Institute.
- Najafi, Mohammad Hassan, Sahib Al-Jawahar, (1404 AH). Jawaharlal Kalam in the description of the laws of Islam, 43 volumes. Dar Ihya al-Trath al-Arabi, Beirut-Lebanon, 7th, vol. 37.
- Sadr, Seyyed Muhammad Baqir (1420 AH). The Rule of Harm, researched by Ali Kazzazi, Dar al-Sadeghin for edition and publication.
- Sahabhi, Bahram; Khazari, Samia and Siros Soleimani (2012). The effects of liquidity growth on inflation in Iran's economy: regime change models. Economic Strategy Quarterly, No. 4.
- Samsami, Hossein; Davodi, Parviz and Jahani, Jalal (2014). Money creation costs in conventional banking system and Islamic financing solution. Economic Research Journal, No. 14.
- Shaheen, Ali Abdullah, (2007). Factors influencing the production of bank money in the context of Islamic monetary system, Journal of Al-Jamaa al-Islamiyya (Series of Islamic Studies), volume fifteen. The second issue.
- Sistani, Seyyed Ali, (1414 AH). Qa'ad la hazr & la zarar, Ayatollah Azami Sayyid al-Sistani School.
- Siyuti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr (1389 AH). Tanweer al-Hawalak, Al-Mashad al-Husseini School - Cairo, Egypt, vol.2, p.122.
- Sobhani, Hassan (1401). Criticisms of the implementation of the law on usury-free banking operations/money creation are completely wrong and fraudulent, <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1401/06/12>.
- Sobhani, Hassan Darodian, Hossein (2015). Evaluation of the justification of money creation by the banking system in the Islamic banking system. Islamic Economy. Sh54.
- Sobhani, Jafar, (1394) Sunni interpretations of jurisprudence. Published by Imam Sadiq.
- The second assembly, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi (1410 AH). Bihar Anwar Al-Tabb and Al-Nashar Est., Beirut. First, Volume 2.
- Walizadeh, Hossein, (2018). The effect of the harmless rule in civil liability and the role of the action rule in its effect, Law Yar. Third period.